



## Migration as a Value (Semantic Reconstruction of Migration from the Perspective of Those Involved in International Migration)

Saeideh Arami<sup>1</sup>  | Mansoureh Azam Azadeh<sup>2</sup> 

1. Corresponding author, Department of social Sciences, Faculty of Social and economic sciences, University of Alzahra, Tehran, Iran. E-mail: [saeederamy@yahoo.com](mailto:saeederamy@yahoo.com)
2. Department of social Sciences, Faculty of Social and economic sciences, University of Alzahra, Tehran, Iran. E-mail: [m.azadeh@alzahra.ac.ir](mailto:m.azadeh@alzahra.ac.ir)

---

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received: 25 November 2023

Received in revised form: 15  
March 2024

Accepted: 13 April 2024

Published online: 15 July  
2024

#### Keywords:

Migration, International  
migration, Semantic  
reconstruction,  
Phenomenology.

---

### ABSTRACT

This study aims to understand the concept of immigration from the point of view of the act of immigrating in order to explore the hidden causes of the decision and act of immigrating in the depths of the Iranian mind. This study employed a phenomenological approach to analyze the concept of "immigration" as it is perceived by Agents, based on an interpretive approach that viewed the act of immigrating as the result of the active engagement of meaning-making subjects with the conditions that led to the decision and act of immigrating.

The subject was investigated using the phenomenological method and an in-depth interview in this research. The results have been analyzed in accordance with the Moustakas strategy and the Colaizzi method of analysis, and the sampling approach is judgmental and purposive.

The results were categorized into three main categories and 12 sub-concepts, which include migration as a value, an instrument, and a solution. Migration is characterized by both subjective and objective components. The mental dimension of migration as a social value is a critical factor in the decision to choose it as a solution to unfavorable conditions for different strata and classes. This value dimension is also crucial in the use of immigration as a tool that is socially acceptable and generally useful in attaining objectives.

The results show that immigration is constructed in the minds of activists as a social value, apart from being a practical action and an objective reality that is undertaken for a variety of individual, economic, social, political, and cultural reasons.

---

**Cite this article:** Arami, S. & Azam Azadeh, M. (2024). Migration as a Valu (Semantic Reconstruction of Migration from the Perspective of Those Involved in International Migration). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 13(2): 145-160

<https://doi.org/10.22059/jisr.2024.368680.1461>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.368680.1461>

## مهاجرت به مثابه ارزش

### (واکاوی معنایی مهاجرت از منظر اقدام‌کنندگان به مهاجرت‌های بین‌المللی)

سعیده آرامی<sup>۱</sup> | منصوره اعظم‌آزاده<sup>۲</sup>۱. نویسنده مسئول، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: [saeederamy@yahoo.com](mailto:saeederamy@yahoo.com)۲. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: [m.azadeh@alzahra.ac.ir](mailto:m.azadeh@alzahra.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مطالعه حاضر با هدف شناخت معنای مهاجرت از منظر اقدام‌کنندگان به مهاجرت در پی مطالعه علل پنهان مؤثر بر تصمیم و اقدام به مهاجرت در ژرفای ذهن کنشگر ایرانی است. این مطالعه با رویکردی تفسیرگرا، اقدام به مهاجرت را حاصل درگیری فعالانه سوزده‌های معنا ساز با شرایط منتهی به تصمیم و اقدام به مهاجرت می‌داند و با رویکردی پدیدارشناسانه، مفهوم مهاجرت را همان گونه که در آگاهی کنشگران نشسته است، واکاوی می‌کند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۴	در این پژوهش به روش پدیدارشناسی و مصاحبه عمیق، موضوع مورد نظر بررسی شده است. روش نمونه‌گیری هدفمند است و یافته‌ها به شیوه کلازیری تحلیل شده‌اند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷	مطابق یافته‌ها، اقدام به مهاجرت واجد ابعاد ذهنی و عینی است. بعد ذهنی مهاجرت به‌عنوان ارزشی اجتماعی نقش اساسی در انتخاب آن به‌عنوان راهکار برون‌رفت از شرایط نامطلوب ایفا می‌کند. همچنین این بعد ارزشی، نقش عمده‌ای در اقدام به مهاجرت دارد؛ ابزاری که پذیرش اجتماعی دارد و از مطلوبیت عام برخوردار است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱/۲۵	نتایج نشان می‌دهد مهاجرت‌کردن جدای از اقدامی عملی و واقعیتی عینی که به انواع دلایل خرد و کلان فردی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انجام می‌پذیرد، به‌مثابه ارزشی اجتماعی در ذهن کنشگران بر ساخت شده است.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۴/۲۵	در این ذهنیت، موفقیت در پذیرش و نهایتاً مهاجرت‌کردن پاداشی به شایستگی، استعداد و توانایی فرد اقدام‌کننده است.
کلیدواژه‌ها:	
پدیدارشناسی، گرایش به مهاجرت، معناکاوی، مهاجرت، مهاجرت بین‌المللی، میان‌ذهنیت، نخبه	

استناد: آرامی، سعیده و اعظم‌آزاده، منصوره (۱۴۰۳). مهاجرت به مثابه ارزش (واکاوی معنایی مهاجرت از منظر اقدام‌کنندگان به مهاجرت‌های بین‌المللی). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۳(۲): ۱۴۵-۱۶۰.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2024.368680.1461>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.368680.1461>

## ۱. مقدمه و طرح مسئله

مهاجرت به معنای عام عبارت است از ترک سرزمین اصلی و سکونت در سرزمینی دیگر به‌طور دائم یا موقت و در معنای خاص آن عبارت است از نقل مکان انفرادی یا جمعی انسان‌ها یا تغییر محل اقامت به‌طور دائم یا برای مدتی طولانی بیش از یک سال (تقوی، ۱۳۸۷: ۱۴۸). در طول تاریخ بشریت، حرکت از سرزمینی به سرزمین دیگر برای دستیابی به امکانات و منابع بهتر در جهت ادامه حیات یا بهبود آن امری معمول بوده است. امروزه نیز بسیاری از افراد و خانواده‌هایی که تشخیص دهند کشور مبدأ امکانات لازم برای توسعه و بهبود زندگی و معیشت آن‌ها را ندارد یا امکان دستیابی به اهداف خود را در کشوری جز کشور خود مهیا بینند یا به دلایلی از جمله جنگ یا آشوب‌های سیاسی و اجتماعی کشور خود را ناامن ببینند، آن را ترک می‌کنند. امروزه مهاجرت جوانان موجب کاهش رشد جمعیت و کاهش نیروی جوان، افزایش نسبت سالخوردگان و در نتیجه افزایش نسبت وابستگی در مبدأ شده است (بنی‌اسدی و زارع، ۱۳۹۲). در سال‌های اخیر در کشور با موج مهاجرت افراد اعم از نخبه و غیرنخبه و از طبقات اجتماعی و اقتصادی گوناگون به خارج از کشور مواجه بوده‌ایم. این افراد با توسل به راه‌های قانونی و غیرقانونی و با به‌جان خریدن خطرات بسیار مهاجرت به کشوری بیگانه با فرهنگ و زبانی متفاوت، رنج دوری از بستگان را به ماندن در کشور خود ترجیح می‌دهند و اقدام به مهاجرت می‌کنند. حتی در صورت عدم دسترسی به کشورهای اروپایی و آمریکا، به مهاجرت به کشورهای اطراف و نزدیک به ایران از جمله ترکیه و قبرس اقدام می‌کنند. براساس یافته‌های رصدخانه مهاجرت ایرانیان، مقصد نخست بسیاری از مهاجران ایرانی کشور ترکیه است و در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ تعداد مهاجران ایرانی که به ترکیه وارد شده‌اند، چهار برابر شده است. مطابق آمار اداره امور اقتصادی و اجتماعی آمریکا<sup>۱</sup> رتبه مهاجرفرستی ایران براساس جمعیت ایرانیان ساکن خارج از کشور در سال ۲۰۲۰، از بین ۲۳۲ کشور مورد بررسی ۵۴ بوده است. همچنین مطابق با آمار گالوپ<sup>۲</sup>، رتبه ایران در شاخص جریان بالقوه مهاجرت بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ از بین ۱۵۲ کشور ۸۷ بوده و رتبه ایران در شاخص جریان بالقوه مهاجرت جوانان ۷۷ از بین ۱۵۲ کشور بوده است (سالنامه آماری مهاجرت، ۱۴۰۱: ۲). گزارش بررسی وضعیت شاخص‌های مهاجرت نشان می‌دهد ۴۴ درصد از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان تصمیم به مهاجرت دارند و بین ۴۰ تا ۵۰ درصد از افراد سایر گروه‌های مورد بررسی اعم از پزشکان و پرستاران و استادان و محققان و فعالان استارت‌آپی نیز تصمیم به مهاجرت دارند (وضعیت شاخص‌های کلیدی مهاجرت بین اقشار اجتماعی مختلف، ۱۴۰۱: ۹).

در سال‌های اخیر گرایش به مهاجرت و اقدام به آن محدود به اقشار برخوردار بوده که تحت تأثیر شرایط اقتصادی و سیاسی حاضر احساس ناامنی از به‌خطرافتادن سرمایه‌های اقتصادی خویش دارند یا فرصت سرمایه‌گذاری و افزایش دارایی‌های خود را در آن سوی مرزها بهتر برآورد کرده‌اند. این امر منحصر به نخبگانی که زمینه بروز و ظهور استعدادهای خویش را در کشور نمی‌یابند نیست. سایر اقشار و طبقات اجتماعی نیز گرایش به مهاجرت دارند و با توسل به راه‌های قانونی و غیرقانونی به مهاجرت اقدام می‌کنند. حتی مسئله زنان شدن مهاجرت نیز مطرح است که نشان می‌دهد مهاجرت به مسئله‌ای فراتر از طبقه و جنسیت تبدیل شده است (صادقی و ولدوند، ۱۳۹۴: ۵۵). در مصاحبه‌های اکتشافی و مشاهدات، موارد بسیاری دیده شد که علی‌رغم عدم برخورداری از توان مالی لازم یا نبود روابط کافی تمایل زیادی نسبت به مهاجرت داشته‌اند و تلاش‌هایی برای دستیابی به آن انجام داده‌اند. حتی اقدام به مهاجرت از دوران نوجوانی در ذهن دانش‌آموزان جای گرفته و از اصلی‌ترین دغدغه‌های آن‌ها برای آینده است. البته مهاجرت جوانان و نیروی کار منحصر به دوران اخیر و کشور ما نیست، ولی افزایش و همه‌گیری آن در سال‌های اخیر پدیده‌ای بی‌سابقه و درخور توجه و بررسی

است. در بررسی دلایل و عوامل مؤثر بر مهاجرت به طیف وسیعی از عوامل خرد و کلان فردی و اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پرداخته شده است. در میان علل متفاوتی که تاکنون برای گرایش به مهاجرت بررسی شده‌اند، عناصر عاملیتی به‌ویژه مهاجرت جوانان در نظر گرفته شده و تغییرپذیری‌های فردی و شخصیتی و همچنین تغییرات ارزشی که ناشی از شرایط ساختاری کلان است، در شکل‌گیری گرایش به مهاجرت، دارای اهمیت دانسته شده است (قاضی‌نژاد و خانی اوشانی، ۱۳۹۶: ۱۵۴). سطح خرد نیز بر این مبنا شکل گرفته است که سیستم ارزشی خاص یک فرد و خواسته‌ها و انتظارات او می‌تواند دلیل مهاجرت باشد (الیوت و ترنر، ۱۳۹۰: ۴۶). در این دیدگاه، مهاجرت برگرفته از تصمیمی است که به‌صورت عقلانی توسط افرادی که مزایا و معایب مهاجرت یا ماندن در وطن خویش را می‌سنجند، اتخاذ می‌شود (هیگن و دانکر، ۲۰۰۸: ۱۴).

بیشتر مطالعات داخلی و خارجی در زمینه مهاجرت، نگاهی طبیعت‌گرایانه به این واقعیت اجتماعی دارند و به بررسی عوامل ساختاری و کلان پرداخته‌اند. چنانچه سوژه‌های انسانی را عوامل فعال در شکل‌گیری پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی بدانیم، فهم ادراک آن‌ها از پدیده‌هایی که شکل‌دهنده کنش‌هایشان است، در فهم کلی از پدیده‌ها یاری‌رسان است.

پژوهش حاضر بر این ایده استوار است که تصمیم و اقدام به مهاجرت به‌مثابه یک پدیده اجتماعی واجد بُعدی معنایی و شناختی و دارای خصلتی میان‌ذهنی است که شکل‌دهنده کنش مهاجرت است. در این مطالعه سوژه مورد بحث مهاجر بالفعلی نیست که امر مهاجرت بر او حادث شده است و ادراک و تفسیر او از مهاجرت براساس تجربه او به‌عنوان فرد مهاجر شکل گرفته بلکه سوژه مدنظر؛ مهاجر بالقوه‌ای است که ادراک و تفسیرش از شرایط زندگی براساس تجربیات زیسته او به‌عنوان شهروندی ایرانی شکل‌دهنده تصمیم و اقدام او برای مهاجرت بوده است. از این منظر، کنشگر ایرانی به‌عنوان سوژه‌ای آگاه، قبل از اقدام عملی برای مهاجرت، درک و دریافتی از وضعیت منجر به مهاجرت و ارزیابی و تفسیری از آن دارد که نه‌تنها منشأ عمل او در اقدام به مهاجرت شده، بلکه موجب بازتولید و تداوم این کنش در زندگی روزمره و به تعبیر گیدنز «ذخیره معرفتی و دانش عملی» شده است (گیدنز، ۱۹۸۴: ۱۰۲)؛ بنابراین اینکه افرادی که قصد مهاجرت دارند، با برخورداری از تجربه‌ای زیسته به‌عنوان شهروندی ایرانی چه دریافتی از مهاجرت در ذهن دارند و این پدیده را چگونه ارزیابی و تفسیر می‌کنند، در فهم از مسئله مهاجرت و علل گرایش به آن تأثیر درخوری دارد. در پژوهش حاضر، پیش از پرداختن به دلایل و عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت، این مفهوم، آن‌چنان‌که در ذهن کنشگران جای گرفته است بررسی می‌شود تا کشف این معانی، زمینه‌ساز شناخت علل پنهان اثرگذار بر مهاجرت شود. براین‌اساس پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که افرادی که قصد مهاجرت دارند چه معنایی از مهاجرت در ذهن دارند و کنشگران ایرانی شرایط و زمینه‌های منتهی به مهاجرت را چگونه دریافت و تفسیر می‌کنند.

## ۲. پیشینه پژوهش

شکیبا راد، صابری و ثابت (۱۴۰۰)، پژوهشی با عنوان «برساخت اجتماعی مهاجرت بین‌المللی نخبگان و پیامدهای توسعه‌ای آن» به شیوه زمینه‌ای و مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته روی ۳۵ نفر از نخبگان در حال مهاجرت انجام داده‌اند. شرایط علی شامل کیفیت زندگی و عدم شایسته‌سالاری، شرایط زمینه‌ای شامل ارزش‌ها، ذائقه و سبک زندگی، ضعف ساختار مدیریتی و شغلی و ضعف شاخص‌های آزادی و شرایط مداخله‌گر شامل شبکه حمایت، فشار هنجاری و محدودیت اجتماعی شناسایی شده‌اند. پژوهش آن‌ها نشان داده است نخبه‌ها با راهبردهای سازگاری فردی و خنثی‌سازی ذهنی، خود را با شرایط و بحران اخلاقی ناشی از رابطه تکلیفی خود با وطن سازگار می‌کنند (شکیبا راد، صابری و ثابت، ۱۴۰۰: ۱۶۷).

ودادهیر و اشراقی (۱۳۹۸) مطالعه‌ای کیفی با مشارکت ۳۳ نفر از پزشکان و پیراپزشکانی انجام داده‌اند که قصد مهاجرت به خارج از کشور را داشتند یا به‌تازگی به کشوری دیگر مهاجرت کرده‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند پزشکان و پیراپزشکان به‌دلیل مسائل پدافعه در کشور و جاذبه‌های زیاد در کشور مقصد به مهاجرت گرایش پیدا کرده‌اند. تحلیل داده‌ها به استخراج دو طبقه اصلی شامل دافعه‌های مبدأ با پنج زیرمقوله عوامل اقتصادی-شغلی، عوامل فرهنگی-اجتماعی، عوامل سیاسی-مذهبی، عوامل آموزشی و تحصیلی و عوامل شخصی و نیز جاذبه‌های مقصد با پنج زیرمقوله قانونمندی و روابط، احساس امنیت، امکانات رفاهی و مادی، فرصت‌های آموزشی و فرصت‌های شغلی مشخص شده است (ودادهیر و اشراقی، ۱۳۹۸: ۲۳).

طاهری دمنه و کاظمی (۱۳۹۷) با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به بررسی تصاویر آینده‌جویانه‌ای که مایل به مهاجرت هستند پرداختند و پدیده مهاجرت را از ساحت تصاویر ذهنی مربوط به آینده بررسی کردند. نتایج نشان‌دهنده سه تم اصلی است: ۱. تصاویر ویران‌شهری از مبدأ، ۲. پیروی از یک همه‌گیری برای رفتن، و ۳. جاذبه مقصد. این‌ها تصاویر قوی محرک مهاجرت محسوب می‌شوند که از بین آن‌ها مهم‌ترین سهم مربوط به تصاویر ویران‌شهری از مبدأ است (طاهری دمنه و کاظمی، ۱۳۹۷: ۵۳).

آسایش، کاظمی‌پور و صدیقی (۱۳۹۸) در مطالعه «سودای مهاجرت، میل به مهاجرت و تصویر ذهنی از غرب در تجربه دانشجویان مهاجران ایرانی»، به روش کیفی و تحلیل تماتیک ۲۲ مصاحبه دریافتند درمورد مهاجرت دانشجویان به غرب با تخیلی روبه‌رو هستیم که تا پیش از مواجهه همواره به‌صورت رؤیایگونه در ذهن افراد وجود دارد و آنان اغلب براساس این فهم اقدام به مهاجرت می‌کنند (آسایش، کاظمی‌پور و صدیقی، ۱۳۹۸: ۷۸).

قاضی‌نژاد و خانی اوشانی (۱۳۹۶) در مطالعه «رابطه بین بازانديشی در هویت و گرایش به مهاجرت از کشور» با رویکرد ساختار و عاملیت و با هدف کندوکاو دلایل ژرف‌تر موضوع، به این نتیجه رسیدند که تغییر نظام‌های معنایی، تحولات هویتی و بازانديشی هویت در بستر تحولات ملی و جهانی، از عوامل اصلی تأثیرگذار بر گرایش به مهاجرت در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی است. این پژوهش به روش پیمایش انجام شده و نتایج نشان داده است ۴۱/۵ درصد از دانشجویان مورد مطالعه، تمایل زیادی نسبت به مهاجرت دارند. با افزایش میزان بازانديشی در هویت، گرایش مذکور تقویت شده و برعکس، با افزایش امکان تحقق عملی بازانديشی ذهنی، از آن کاسته شده است. همچنین احساس امنیت هستی‌شناختی با گرایش به مهاجرت از کشور رابطه منفی دارد. درمجموع، متغیرهای تحقق عملی هویت بازانديشانه، احساس امنیت هستی‌شناختی و نیز متغیرهای زمینه‌ای وضعیت تأهل و اشتغال، بیشترین تأثیر را بر گرایش به مهاجرت داشته‌اند (قاضی‌نژاد و خانی اوشانی، ۱۳۹۶: ۱۵۱).

ذکایی (۱۳۸۵) در تحقیق «جوانان، جهانی‌شدن و مهاجرت‌های بین‌المللی» بیان می‌کند جهانی‌شدن و فرایندهای جهان‌وطنی تأثیری آشکار بر گرایش‌ها و ارزش‌های جوانان دارد. در سطح فردی تمایل به حفظ سلیقه‌ها و سبک‌های فردی زندگی و ارتقای مهارت‌های شغلی و تحصیلی و نیاز به اثبات توانایی‌های فکری و حرفه‌ای، محرک مهمی در انتخاب رفتارهای مهاجرتی محسوب می‌شود (ذکایی، ۱۳۸۵: ۴۱).

رشیدخان و سریرخان (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای درباره علل مهاجرت نیروی کار پاکستانی به کشورهای توسعه‌یافته به‌ویژه انگلستان بیان می‌کنند دافعه‌های مبدأ و جاذبه‌های مقصد در پاکستان به‌شدت بر مهاجرت نیروی کار تأثیر دارد؛ به‌طوری‌که قوانین سخت‌گیرانه مهاجرت به کشورهای خارجی نیز اراده آن‌ها برای مهاجرت را سست نکرده است. پاسخگویان بیان کرده‌اند که در نگاهی مثبت، مهاجرت سبب بهبود کیفیت زندگی خانواده مهاجران می‌شود، ولی از منظری منفی نیروی کار ارزان آن‌ها به توسعه کشورهای مقصد کمک می‌کند (رشیدخان و سریرخان، ۲۰۱۲: ۹۷).

بیشتر مطالعات انجام شده در حوزه مهاجرت، یا به صورت کمی انجام شده و به آزمون نظریات مختلفی که در حوزه مهاجرت موجود هستند در جامعه ایران پرداخته‌اند یا مرتبط با مهاجرت نخبگان و جوانان به ویژه دانشجویان هستند. در پژوهش حاضر، ساختارهای ژرف موجود در ذهن کنشگران به شیوه‌ای تفسیری بررسی، و از این طریق دلایل پنهان مهاجرت - همان گونه که در ذهن کنشگران رسوب کرده - مطالعه می‌شود؛ اگرچه این دلایل به صورت آشکار بیان نشده باشد.

### ۳. چارچوب مفهومی و نظری

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر مبتنی بر مفاهیم و نظریات سوژه‌محور است که واقعیت‌های اجتماعی را محصول کنش سوژه‌های آگاهی می‌داند که به گونه‌ای فعالانه در ساخت واقعیت اجتماعی درگیر هستند. نظریات مورد استفاده در این پژوهش عمدتاً در چارچوب انگاره تعریف اجتماعی از دیدگاه ریتزر قرار می‌گیرند (ریتزر، ۱۳۸۸: ۶۳۵). مطابق نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی، آنچه افراد جامعه به منزله واقعیت احساس و درک می‌کنند، آفریده کنش متقابل اجتماعی افراد و گروه‌ها است. پس تلاش برای «تبیین» واقعیت اجتماعی به معنای نادیده گرفتن و شی‌ءواره ساختن فرایندهایی است که چنین واقعیتی از طریق آن‌ها ساخته می‌شود. «برساخت‌گرایان اجتماعی معتقدند شناخت، نه عمومی و ثابت و نه خنثی است، بلکه همواره در واکنش به روابط اجتماعی در حال تغییر است» (گلچین، جواهری و سمیعی، ۱۴۰۱: ۷۴۳، به نقل از لوزویک، ۱۳۹۴: ۳۶). برساخت‌گرایی اجتماعی به دنبال بررسی شناخت و فرایندهای معناساز در روند تعاملات و زمینه اجتماعی-فرهنگی موجود است (تیزچنگ و قاضی‌نژاد، ۱۴۰۱: ۳۵۶). برگر و لاکمن نگاه به جامعه را به مثابه نظامی سیال و توافقی ناپایدار - که ریشه در کنش‌های متقابل افراد دارد - جایگزین پنداشت‌های ارگانیکی و مکانیکی از آن می‌کنند. به زعم برگر و لاکمن، جامعه برساختی فرهنگی یا نمادین است. جامعه سیستم یا سازوکار یا ارگانیسم نیست، بلکه برساخته‌ای نمادین یا محصولی سنجیده و متشکل از آراء، معانی و زبان است (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۱۲). در تحقیق حاضر مطابق با رویکرد تفسیری، مهاجرت مفهومی است که در فرایند کنش متقابل افراد در زندگی روزانه برساخت شده است. این مفهوم براساس ادراک و تفسیر کنشگران از شرایط و اوضاع کشور مبدأ و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و باورهای جمعی آن، ویژگی‌های فردی و شخصیتی فرد مهاجر، شرایط و امکانات و ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور مقصد، شکل گرفته است.

### ۴. روش پژوهش

با توجه به اینکه پدیده مهاجرت به مثابه واقعیتی اجتماعی در بستر و زمینه فرهنگی و اجتماعی خاصی صورت می‌گیرد، برای دستیابی به معنای مهاجرت و فهم این پدیده، مطالعه حاضر با رویکردی پدیدارشناسی انجام گرفت. این روش در تضاد با پارادایم اثبات‌گرایی در علم است که مبتنی بر کاربرد روش‌های علوم طبیعی در علوم انسانی است و نگاهی انسان‌گرایانه به پدیده‌های انسانی دارد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۹۹). این روش به دنبال روشن کردن ساختار و جوهره پدیده‌های تجربه شده و توصیف دقیق آن از طریق تجزیه و تحلیل تجارب زندگی شرکت‌کنندگان است (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۵: ۲۵۹). در مطالعه مفهوم پدیده مهاجرت، روش پدیدارشناسی انتخاب شد؛ زیرا مبتنی بر تجربه زیسته سوژه ایرانی از زندگی در ایران به عنوان شهروند است و شکل‌دهنده فهم و دریافتی است که سبب تصمیم قطعی و اقدام عملی او به مهاجرت شده است.

پژوهش حاضر برای مطالعه این پدیده از رویکرد موستاکاس پیروی می‌کند و به روش کلایزی تحلیل شده است. راهبرد تحقیق موستاکاس بر توصیفاتی از تجارب مشارکت‌کنندگان استوار است. همچنین موستاکاس بر مفهوم اساسی هوسرل یعنی تعلیق (اپوخه) متمرکز است که در آن محقق تجارب پیشین خود را تا جایی که ممکن است کنار می‌گذارد و این کار را برای ایجاد فضایی تازه

در مورد پدیده مورد بررسی انجام می‌دهد (موستاکاس، ۱۹۹۴). کاربرد اصلاحی موستاکاس از روش کولایزی (۱۹۸۷) در تحلیل داده‌ها شش گام دارد:

۱. مقدمه، ۲. فرایند و رویه تحقیق، ۳. ایجاد گزاره‌های معنادار و مهم، ۴. معانی گزاره‌ها، ۵. تم‌های مستخرج از گزاره‌ها، و ۶. توصیف کامل پدیده (کرسول، ۲۰۰۷: ۸۰). در پژوهش حاضر برای دستیابی به معنای مهاجرت و فهم این پدیده در آگاهی کنشگران از ساختار فوق تبعیت شده است (کراسول، ۱۴۰۰: ۸۲).

نمونه‌گیری به صورت قضاوتی و هدفمند انجام گرفت. مصاحبه‌شوندگان از بین افرادی انتخاب شدند که علاوه بر تصمیم و قصد مهاجرت، به اقدام عملی برای مهاجرت مبادرت کرده‌اند و در فرایند مهاجرت قرار دارند. مهاجرت‌های اجباری اعم از پناهندگی، پیوستن به فرزندان یا خانواده و... در این تحقیق مدنظر نبود و مصاحبه‌شوندگانی که تنها به این دلایل بسنده کردند، از تحلیل خارج شدند.

#### جدول ۱. ویژگی‌های شرکت‌کنندگان در تحقیق

اسم	سن	تحصیلات	کشور مقصد برای مهاجرت
نگین	۲۷	کارشناسی ارشد	آلمان
ملیکا	۲۵	کارشناسی	آلمان
سارا	۳۵	کارشناسی ارشد	کانادا
زهرا	۴۱	کارشناسی	کانادا
نوشین	۲۶	کارشناسی	ایتالیا
روشا	۲۲	کارشناسی	ایتالیا
ندا	۳۸	کارشناسی ارشد	ایتالیا
مریم	۳۶	دکتری	کانادا
شهبلا	۲۶	کارشناسی ارشد	آمریکا
مریم	۳۲	کارشناسی ارشد	سوئد
مونا	۲۸	کارشناسی ارشد	آمریکا
مهران	۳۰	کارشناسی ارشد	ایتالیا
علی	۳۷	دکتری	آلمان
علی	۲۷	کارشناسی ارشد	آمریکا
حمید	۳۱	کارشناسی ارشد	کانادا
محمد	۲۹	کارشناسی	کانادا
فرهاد	۲۸	کارشناسی ارشد	آمریکا
محمد	۳۲	کارشناسی ارشد	آلمان
رامتین	۲۴	کارشناسی	کانادا
الیاس	۳۶	دکتری	انگلستان
سیوان	۲۴	کارشناسی	کانادا
محمد رضا	۳۵	دکتری	انگلستان
علیرضا	۲۵	کارشناسی	مجارستان

ابتدا نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری آسان انتخاب شدند. به دلیل شرایط خاص پاندمی کرونا و حساسیت موضوع، پس از شهریور ۱۴۰۱، برای دستیابی به نمونه‌های بعدی و رسیدن به اشباع در نمونه‌گیری از روش گلوله‌برفی استفاده شد. داده‌ها با نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری و طی مراحل مختلف کدگذاری، مفاهیم و مقوله‌های اصلی و فرعی استخراج شدند. برای اعتبار و اعتماد داده‌های تحقیق، مقوله‌های مستخرج با مصاحبه‌شوندگان در میان گذاشته شد و ابعاد آن برایشان تشریح شد و پس از تأیید آن‌ها به‌عنوان مقوله نهایی در نظر گرفته شدند. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری و هم‌زمان با تحلیل داده‌ها صورت گرفت. ابتدا مصاحبه‌هایی اکتشافی برای تدقیق موضوع و دستیابی به سؤالات اصلی انجام گرفت و در نهایت پس از پالایش و حذف و اضافات مصاحبه‌ها و داده‌ها، در نهایت با ۲۳ مصاحبه پروژه تکمیل شد. برای تحلیل مصاحبه‌ها مطابق با تحلیل کلایزی، ابتدا به تقلیل اطلاعات به گزاره‌ها و عبارات مهم پرداخته شد و سپس این گزاره‌ها با هم ترکیب شدند.

## ۵. یافته‌های پژوهش

از تجزیه و تحلیل یافته‌ها دوازده مفهوم و درون‌مایه فرعی استخراج شد که نهایتاً این مفاهیم در قالب سه درون‌مایه اصلی مقوله‌بندی شدند.

جدول ۲. مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها

مقوله‌های اصلی	خرده‌مقوله‌ها
مهاجرت به‌مثابه ارزش	مهارت و تخصص
	شایستگی و صلاحیت
	نخبگی
	منزلت
مهاجرت به‌مثابه راهکار	برون‌رفت از شرایط نامطلوب اقتصادی و فرهنگی
	کسب استقلال و احترام
	دستیابی به آگاهی و شناخت
	برخورداری از امنیت و آزادی
مهاجرت به‌مثابه ابزار	دستیابی به اهداف
	خودابرازگری
	همنوایی
	ایجاد تمایز

### ۵-۱. مهاجرت به‌مثابه ارزش

توانایی و تخصص: پاسخ‌ها نشان می‌دهد از نظر مصاحبه‌شوندگان برخورداری از مهارت و تخصص از شروط اولیه تصمیم و سپس اقدام برای مهاجرت است؛ زیرا از نظر آن‌ها کشورهای توسعه‌یافته که مقصد مصاحبه‌شوندگان هستند، ارزش بسیاری برای تخصص و مهارت قائل‌اند و پذیرش مهاجران در کشورهای مقصد پس از بررسی‌های دقیق و اثبات این امر از سوی کشور مقصد صورت می‌گیرد. از این منظر شخصی که توانایی و تخصصی در زمینه مهاجرتی خود، چه تحصیلی و چه کاری، نداشته باشد شانس برای پذیرش و نهایتاً مهاجرت نخواهد داشت. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «بین وقتی فکر مهاجرت می‌آد توی سر آدم، اول از همه باید ببینه چی تو چنته داره و به اون کشوری که می‌خواد بره چه چیزی ارائه می‌ده، چه چیزی بهشون اضافه می‌کنه. اون‌ها دنبال



نون‌خور اضافه که نیستن. باید حتماً براشون منفعتی داشته باشی تا پذیرش بدن بهت. باید از حد متوسط بالاتر باشی که خب اگر هستی که بهتر، اگر نیستی باید تلاش کنی که به اون حد لازم برسی.»

مصاحبه‌شونده دیگری می‌گوید: «مهاجرت مال اون‌هاییه که چیز باارزشی دارن، مثل پول یا هوش یا مهارت و دانش و تخصص. آدم معمولی که نمی‌تونه مهاجرت کنه، وگرنه که این‌جوری که همه دلشون می‌خواد برن. مملکت خالی می‌شد.»

مصاحبه‌شونده دیگری توضیح می‌دهد: «مهاجرت برای هرکسی مناسب نیست. باید تواناییش باشه. منظورم فقط پول و توان مالی نیست. هوش، دانش، تخصص و مهارت. اینجا با این‌ها شاید پول درنیاری، ولی اونجا حتماً درآمد خوبی داری.»

مطابق با این ذهنیت، افرادی که مهاجرت می‌کنند قطعاً از توانایی‌های فردی و مهارت و تخصصی کافی برخوردار هستند که مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. مصاحبه‌شونده دیگری اظهار می‌کند: «اصلش که رفتن به‌خاطر رسیدن به شرایط بهتره، ولی باهوش‌ها می‌رن؛ چون اون که تخصص و مهارت نداشته باشه، یعنی درواقع تخصص و مهارت مورد قبول اون‌ها که به پیشرفت کشورشون کمک کنه رو نمی‌پذیرن.» در ذهنیت سوژه ایرانی تخصص و مهارت که حاصل از هوش و توانایی و استعداد خاص افراد است در صورت بروز، زمینه پذیرش از سوی کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته و درنهایت مهاجرت را فراهم می‌کند.

صلاحیت: پذیرفته‌شدن در شرکت‌های خارجی یا به‌دست‌آوردن شغل که مصاحبه‌شوندگان تحت عنوان مهاجرت کاری از آن یاد می‌کنند، به‌منزله برخورداری از شایستگی خاصی است که به‌درستی دیده نشده یا اهمیت کافی به آن داده نشده است. از نظر مصاحبه‌شوندگان، افرادی که به مهاجرت اقدام کرده‌اند، دارای شایستگی‌ها و صلاحیت‌هایی هستند که در کشور خود و در محیط‌های مرتبط با این شایستگی‌ها مانند محیط‌های کاری یا دانشگاهی به‌رغم تلاش زیاد به اندازه کافی دیده نشده‌اند و پاداش درخوری کسب نکرده‌اند. بی‌توجهی به شایستگی‌های آن‌ها به تصمیم این افراد برای مهاجرت منجر شده است؛ چرا که از نظر آن‌ها کشورهای توسعه‌یافته افراد شایسته را جذب می‌کنند، ارزش کافی برای او قائل هستند و پاداش و امکانات مناسب را برای او فراهم می‌کنند.

مصاحبه‌شونده‌ای پس از توضیح درباره شرایط کاری و شایستگی‌های خود و مسیر سختی که برای کسب این شایستگی‌ها طی کرده می‌گوید: «اینجا قدر منو نمی‌دونن. با مدرک از دانشگاه معتبر و کلی دوره‌های مرتبط و رزومه قوی، حقوق پایه وزارت کار و دریافتی بی‌ربط به شایستگی‌هام می‌گیرم. تازه بعد از کلی آزمون و دوندگی برای استخدام شدن. وقتی اینجا دیده نمی‌شم، می‌رم جایی که دیده بشم.»

نخبگی: از آنجا که تعدادی از مصاحبه‌شوندگان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلانی بودند که از طریق پذیرش تحصیلی اقدام به مهاجرت کرده بودند، در صحبت‌هایشان به هوش و دانشی اشاره می‌کردند که به پذیرش سایرینی منجر شده که مهاجرت کرده‌اند و مشغول به تحصیل یا کار در یک کشور خارجی هستند و پذیرفته‌شدن در یک دانشگاه خارجی را نشانه برخورداری از هوش و نخبگی حتی از سوی خانواده‌ها و جامعه دانسته‌اند. مصاحبه‌شونده‌ای اظهار می‌کند: «لان دیگه بچه‌هایی که دانشگاه آزاد و پیام نور هم درس خوندن دارن می‌رن اون طرف و پیشرفت می‌کنن. من که سراسری درس خوندم بمونم اینجا؟ یعنی هوش من کمتر از اون‌هاست؟ اگر اون‌ها نخبه هستن منم هستم.»

مصاحبه‌شونده‌ای که به‌تازگی از یکی از دانشگاه‌های مجارستان پذیرش تحصیلی گرفته است می‌گوید: «اتفاقاً من خیلی هم مایل به رفتن نبودم. پسرخاله مادرم پذیرش تحصیلی گرفت، انقدر درباره هوش و استعدادش داستان گفتن که پدر و مادرم حس کردن چیزی برای من و خواهرم کم گذاشتن که باهوش نشدیم؛ درصورتی‌که منم همون‌قدر درس می‌خوندم، ولی این احساسی که من خنگم ولم نمی‌کرد.»

اطلاق برجسب نخبه به پذیرفته‌شدگان تحصیلی، موردی است که مصاحبه‌شوندگان به کرات به آن اشاره کرده‌اند. مصاحبه‌شونده‌ای دارای مدرک کارشناسی می‌گوید: «بعضی از بچه‌های فامیل ما از دانشگاه خارجی پذیرش گرفتن. دیگه دائم می‌شنیدم که می‌گفتن نخبه‌های فامیل مهاجرت کردن.» دیگری اظهار می‌کند: «انقدر تلاش کردم و بی‌خوابی کشیدم و هیچ جا نرفتم که دانشگاهی درس بخونم که راحت بتونم مهاجرت کنم؛ چون به نخبه‌ها خیلی راحت‌تر پذیرش می‌دن.» طبق تجربیات مصاحبه‌شوندگان از دوران دانش‌آموزی و کنکورشان، تلاش برای مهاجرت به شیوه پذیرش تحصیلی علاوه بر اینکه تضمین‌کننده آینده شغلی و تحصیلی آن‌ها است، عنوان نخبه را هم برایشان در پی دارد: «من و بیشتر همکلاسی‌هام تو مدرسه خیلی درس می‌خوندیم. سعی می‌کردیم نمرات خوب بگیریم که بتونیم دانشگاه خوب مثل شریف قبول بشیم که راحت پذیرش بگیریم که هم آینده‌مون تضمین باشه، هم خانواده به اینکه به نخبه به جامعه تحویل داده افتخار کنه.»

منزلت: گفت‌وگوها نشان می‌دهد فرد مهاجر از منظر خانواده و جامعه دارای جایگاه و منزلت خاصی است که نقطه آغاز کسب این جایگاه با تصمیم به مهاجرت شکل گرفته است و نهایتاً پذیرش قطعی از کشور مقصد به استحکام آن کمک می‌کند. پس از مهاجرت فرد نیز این جایگاه حفظ می‌شود: «یه روز یکی از اقوام که مهاجرت کرده، اومده بود سری به خانواده و دوستان بزنه و برگرده. جوری مورد احترام همه بود که زمانی که ایران بود، با اینکه دیرتر می‌دیدنش اصلاً این برخورد رو نداشتن باهاش. از وقتی رفته مهم شده.»

مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید: «پسردایی مادرم مهاجرت کرد. بعد از اون همه جا حرفش بود. هر جا نشستیم دیدیم وصف زرنگی و کاردانی اون هست. می‌گفتن چه مخی بود، اصلاً معلوم نبود.»

## ۵-۲. مهاجرت به منابه راهکار

برون‌رفت از شرایط نامطلوب اقتصادی و فرهنگی: برخی از مصاحبه‌شوندگان با تشریح تجربیات خود از شرایط زندگی‌شان مهاجرت را راهکاری برای برون‌رفت از این شرایط دانسته‌اند. شرایطی که این مصاحبه‌شوندگان توصیف کرده‌اند، مجموعه‌ای از مسائل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. عبارت زیر توسط تعدادی از مصاحبه‌شوندگان در ابتدا یا میان صحبت‌هایشان بیان شد: «رفتن که دلیل نمی‌خواد؛ موندن دلیل می‌خواد.» مصاحبه‌شونده‌ای توضیح می‌دهد: «این همه تلاش کردن و به جایی نرسیدن و در حسرت حداقل‌های زندگی بودن، راهی جز مهاجرت برام نداشته.» دیگری می‌گوید: «این چیزهایی که اینجا سقف خواسته‌های منه، جاهای دیگه کف خواسته‌هاست.»

کسب استقلال و احترام: دستیابی به استقلال شخصی و دوری از نظارت‌ها و کنترل‌های خانواده و اطرافیان، دلیل تعدادی از مصاحبه‌شوندگان برای اقدامشان به مهاجرت بود. یکی از آن‌ها می‌گوید: «خانواده ایرانی رو که می‌شناسید. دائم می‌خوان نظارت داشته باشن و کنترل کنن. انگار نه انگار من یه دختر بزرگ تحصیل کرده هستم. اینجا شهرستان هم برم یا می‌شن می‌آن بینن چیکار می‌کنم. هرچی دورتر باشم بهتره.»

یکی از مصاحبه‌شوندگان که دختری ۲۸ ساله و دارای تحصیلات کارشناسی ارشد است می‌گوید: «من یه دوست دارم آلمان زندگی می‌کنه و درس می‌خونه. سال به سال اصلاً خانواده‌ش نمی‌بیننش و ارزش خبر ندارن. حالا دو روز که می‌آد اینجا، هر جا می‌خواد بره باید اجازه بگیره از باباش. اینجا باشی همینه دیگه. همیشه زیر سایه خانواده.»

مصاحبه‌شونده دختر دیگری توضیح می‌دهد: «انقدر با بگیروبیند خانواده و امرونی درگیر بودم، تصمیم گرفتم برم جایی که دست کسی بهم نرسه. تازه تا همین جا هم کلی ماجرا داشتیم. به این راحتی نبوده؛ چون تحصیلی دارم می‌رم، به خاطر افتخار تقدیم نخبه به جامعه جهانی تونستم راضی شون کنم.» دختر ۳۲ ساله دیگری می‌گوید: «زیر سایه خانواده زندگی کردن اون احترام و ارزشی که لازمه

رو به من نداده. خانواده ایرانی هم که سایه‌ش همه جا پهنه. به مدت رفتیم کرج خونه گرفتیم که دور باشیم، دم به دقیقه سر می‌زدن که دختر جوونشون رو رها نکرده باشن. وقتی اعتراض می‌کردم می‌گفتن تو از جامعه خبر نداری و همین حرف‌هایی که فکر کنم همه دخترها شنیده‌اند از خانواده. به‌عنوان به شخص عاقل و بالغ احترام قائل نیستن برای دخترهاشون. مهاجرت بهترین کاره دیگه.»

دستیابی به آگاهی و شناخت: برخی از مصاحبه‌شوندگان مهاجرت را راهکاری برای کسب تجربه‌های جدید و مواجهه با مواردی می‌دانند که در کشور خود به آن‌ها دسترسی ندارند. پسری ۲۹ ساله می‌گوید: «درسته الان رسانه‌ها زیاد هستن و خیلی چیزها رو یاد می‌گیریم، ولی تو محیط بودن به چیز دیگه‌ست. تو به کشور پیشرفته درس‌خوندن یا کارکردن به فهمی ایجاد می‌کنه که با رسانه ایجاد نمی‌شه؛ مخصوصاً که اطلاعات فیک هم زیاده تو رسانه‌ها.»

دیگری توضیح می‌دهد: «پیشرفت زمینه مناسب هم لازم داره. منظورم فقط رشد مالی نیست. رشد شخصی، مهارت‌های فردی... اینجا تا به جایی رشد می‌کنی. حتی تو دانشگاه خوب هم درس بخونی، دیگه همه می‌دونن چیزی اینجا یاد نمی‌گیری. حالا خیلی هم مسئله رو باز نمی‌کنم. همه می‌دونن وضعیت دانشگاه‌های اینجا رو دیگه. اونجا واقعاً آدم یاد می‌گیره.»

پسری ۳۶ ساله بیان می‌کند: «تجربه و شناخت با سفر به دست می‌آد. حالا اینجا شرایط سفر خارجی و جهانگردی و این‌ها که مهیا نیست. با این اوضاع اقتصادی به‌زور بشه سالی چند تا سفر داخلی رفت. شهروند به کشور دیگه بودن کمک می‌کنه راحت‌تر ویزای کشورهای مختلف رو داشته باشیم. راحت‌تر سفر کنیم. حالا می‌گین کو تا شهروند شدن، ولی همون زندگی کردن تو جای جدید مخصوصاً کشور پیشرفته، انسان رو تبدیل به فرد متفاوت‌تر و آگاه‌تری می‌کنه.»

برخورداری از امنیت و آزادی: برخورداری از آزادی‌های فردی و احساس امنیت مواردی هستند که در تشریح شرایط زندگی در ایران و دلیل تصمیم و اقدام به مهاجرت بیان شده‌اند. تجربه زیسته به‌عنوان شهروندی ایرانی این نتیجه را دربرداشته است که در صورت حضور و ادامه زندگی در کشور، به این شرایط دست نخواهند یافت. مهاجرت راهکار این دسته از افراد برای دستیابی به امنیت و آزادی است. مصاحبه‌شونده‌ای پس از تشریح شرایط زندگی در ایران از منظر خود می‌گوید: «من مهاجرت نمی‌کنم که چیزهایی که اینجا ندارم رو داشته باشیم. من مهاجرت می‌کنم که چیزهایی که اینجا دارم نداشته باشیم؛ یعنی ترس، احساس ناامنی. شرایط جوریه که با خیال راحت و بدون ترس از پیشامدهای ناگوار نمی‌شه از خونه رفت بیرون.»

### ۵-۳. مهاجرت به‌مثابه ابزار

دستیابی به اهداف: برخی مصاحبه‌شوندگان مهاجرت را به‌عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف عمدتاً اقتصادی و مالی خود درک کرده‌اند. برخی از آن‌ها در برخورد با مواردی که مانع رونق گرفتن یا پیشرفت کسب‌وکارشان شده یا نارضایتی از درآمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی‌شان تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند و مهاجرت را ابزار مناسبی برای دستیابی به اهداف مالی و اقتصادی یافته‌اند. مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید: «اینجا اگر رانت یا پول بادآورده‌ای مثل ارثیه نباشه، موفقیت در کسب‌وکار خیلی سخته. شرایط برای پیشرفت اقتصادی مهیا نیست. آینده کسب‌وکار مشخص نیست. مهاجرت کمک می‌کنه تو شرایط نرمال فعالیت کنی و سودی که به‌دست می‌آرم با تلاش و زحمت مطابقت داشته باشه.» در ادامه توضیح می‌دهد: «سال گذشته برای به‌مجز مدت‌ها درگیر برویا به سازمان‌های مختلف بودم. انواع نامه‌نگاری و ملاقات با اشخاص مختلف؛ درحالی‌که نه وضعیت دلار ثبات داشت نه سایر قیمت‌ها. هیچ برنامه‌ریزی مشخصی نمی‌تونستم انجام بدم. موفقیت کاری و مالی تو این شرایط تقریباً غیرممکنه.»

خودابرازگری: کنشگر از طریق مهاجرت زمینه بروز شایستگی‌های خود را مهیا می‌بیند؛ شایستگی‌هایی که از نظر او با زندگی در کشور خود به‌عنوان شهروندی ایرانی زمینه بروز پیدا نکرده‌اند. این افراد فارغ از اینکه درمورد آینده خود در کشوری دیگر درست

می‌اندیشند یا خیر، مهاجرت را به‌عنوان ابزار و وسیله‌ای که فرصت اثبات شایستگی‌ها و توانایی‌هایشان را در اختیارشان قرار می‌دهد و آینده‌ای مطلوب برایشان فراهم می‌کند درک کرده‌اند. مصاحبه‌شونده‌ای پس از صحبت از شرایط کاری و بیان تجربیات خود از راه‌اندازی کسب‌وکار می‌گوید: «اینجا جای پیشرفت نیست. من تخصص دارم، استعداد دارم. اینجا که بمونم نمی‌تونم توانایی خودمو همون طوری که هست نشون بدم. اینجا ایزوله هستم. هر طرف که می‌رم به در بسته می‌خورم. اونجا می‌تونم بهترین خودم بشم.» دیگری اظهار می‌کند: «اینجا قدر آدم رو نمی‌دونن. من با تحصیلات ارشد تو یه شرکت روزی ۸ یا ۹ ساعت کار می‌کنم، آخر ماه حقوق پایه وزارت کار رو می‌گیرم. هیچ جور امکان پیشرفت ندارم. وقتی رزومه فرستادم آلمان، در یه زمان به نسبت کوتاه پذیرفته شدم، با مزایای خیلی بهتر؛ چون اون‌ها مهارت و دانش براشون مهمه. اینجا می‌موندم هیچی نمی‌شدم.»

همنویا: مصاحبه‌شوندگان با مشاهده رشد مهاجرت در میان اطرافیان و آشنایان و بعضاً دوستان فعلی و همکلاسی‌های سابق، احساس ناهم‌نوا بودن با سایرین و عقب‌ماندن از پدیده‌ای را که به تعبیر آن‌ها تجربه بیشتر هم‌سن‌وسال‌هایشان است داشتند و مهاجرت را ابزاری برای دستیابی به این هم‌نویا می‌دانستند.

مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید: «این روزها همه دوروبری‌ها و هم‌سن‌های ما رفته‌ن. وقتی می‌بینم اون‌ها رفته‌ن و با یه دنیای جدید روبه‌رو شده‌ن و چیزهایی رو تجربه می‌کنن و می‌بینن که من ندیده‌م و ندارم حس بدی دارم. انگار عقب افتاده‌م. مثلاً شما وقتی بینی همه سواد دارند و شما بی‌سوادی چه حسی بهت دست می‌ده؟ انگار یه چیزی کم دارم و به دستش نیارم. همیشه حسرتش رو خواهم داشت.»

مصاحبه‌شونده دیگری می‌گوید: «دوست‌های من رفتن جاهایی که تجربیات تازه از زندگی براشون داره. وقتی تعریف می‌کنن یا استوری می‌ذارن می‌بینم که من که این‌ها رو اینجا ندارم. معلوم هم نیست که کی و چه جوری اینجا می‌شه همون چیزها رو تجربه کرد. برای همین به مهاجرت فکر کردم و دارم می‌رم.»

مصاحبه‌شونده دیگری در بیان دریافت خود از مهاجرت اظهار می‌کند: «خواهرشوهرم چند ساله که رفته. دلم می‌خواد بینی بچه‌ش چه مدرسه‌ای می‌ره، چه امکاناتی داره. حالا نه اینکه اونجا وضعیت مالی خیلی خوبی داشته باشن که تازه اینجا خیلی هم وضعیت مالی‌شون بهتر بود. ولی اونجا به آموزش بچه‌ها و روح و روان و آینده‌شون اهمیت می‌دن. سیستم‌شون این‌جوریه. تو همین مدرسه‌های معمولی‌شون هم همینه. ما چرا باید عقب بمونیم از فامیل؟ چیمون از بقیه فامیل و آشناها کمتره؟»

خانم ۳۶ ساله‌ای پس از صحبت درباره شرایط زندگی در ایران و تفاوت آن با زندگی خارج از کشور احساس عقب‌ماندگی خود از سایرین را این‌گونه بیان می‌کند: «چند تا خانواده از فامیل‌ها و دوست‌هامون رفتن. وقتی تماس تصویری داریم، دور هم که جمع می‌شیم می‌بینم اصلاً حرف مشترکی باهاشون ندارم دیگه. یه سری‌هاشون که می‌رن و می‌آن درباره برنامه‌هاشون حرف می‌زنن و زندگی‌هاشون. من چی بگم؟ فقط گوش می‌دم. یا باید مثل اون‌ها بشم یا همین طوری عقب بمونم.»

دیگری می‌گوید: «دور و بر من تقریباً خیلی‌ها رفتن یا دارن می‌رن. اینکه همه یه کاری می‌کنن که من نمی‌تونم انجام بدم حس بدی برام داشته. من عادت ندارم از دیگران عقب بمونم.»

ایجاد تمایز: مهاجرت برای عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان ابزاری برای دستیابی به تشخیص و ایجاد تمایز بوده است. این دسته سعی کرده‌اند که با مهاجرت، تفاوت خود با دیگران را مشخص کنند. مصاحبه‌شونده‌ای در بخشی از صحبت‌های خود می‌گوید: «اینجا که همه می‌تونن درس بخونن به لطف دانشگاه‌های پولی و مؤسسه‌های کنکور و اصلاً پول بده مدرک بگیرن. کسی که تو دانشگاه خارجی درس می‌خونه تفاوتش با بقیه مشخص می‌شه.»

پاسخگوی دیگری بیان می‌کند: «می‌دونید که بچه تو هر کشوری به دنیا بیاد شهروند اونجا می‌شه. الان هرکی دستش به دهنش می‌رسه می‌ره کانادا یا هر کشور خارجی خوب که بتونه. زایمان می‌کنه، دیگه بچه‌ای که شهروند کشور خارجی باشه، از همه نظر با بچه‌های دیگه فرق داره.»

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی بر آن بود که به معنای پدیده مهاجرت همان‌گونه که در آگاهی مشارکت‌کنندگان جای گرفته است، پرداخته شود و با کندوکاو ذهنیت مصاحبه‌شونده‌ها و تحلیل گفت‌وگوها و دلایل و بیانات آشکار آن‌ها به لایه‌های زیرین فهمشان از شرایطی که سبب تصمیم قطعی و اقدامشان به مهاجرت شده است، پی ببریم. از آنجا که این افراد هنوز به کشور مقصد وارد نشده‌اند و در جایگاه مهاجر قرار نگرفته‌اند ادراکشان نسبت به مهاجرت از مجموع تجربیات زیسته‌شان به‌عنوان شهروندی ایرانی و دانش و تصوراتشان از شرایط کلی کشورهای مقصد و وضعیت مهاجران در آن کشورها شکل گرفته و بیان شده است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد مهاجرت جدای از اقدامی عملی و واقعیتی عینی که به انواع دلایل خرد و کلان فردی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی صورت می‌پذیرد، برساخته‌ای جمعی و واجد ارزشی ذهنی است. از این منظر در ذهن مشارکت‌کنندگان، مهاجر فردی شایسته، توانا، متخصص، تیزهوش و باکفایت است که زمینه‌های بروز شایستگی‌های او در جامعه فراهم نبوده و در صورت وجود زمینه نیز در جامعه خود به قدر کافی قدر ندیده است، اما جامعه مقصد او را دیده و توانایی‌های او را شناخته و پذیرفته است. براساس این ذهنیت، فردی که مهاجرت می‌کند دارای صلاحیت و شایستگی است، چه در کسب‌وکار و مهارت و چه در تحصیل؛ بنابراین در ذهن مشارکت‌کنندگان مهاجران بالقوه پس از تبدیل شدن به فرد شایسته در زمینه تحصیلی یا شغلی، برای برخورداری از مواهب نخبگی و پرورش استعداد و کسب منزلت و ثروت و پایگاه اجتماعی متناسب با شایستگی‌شان، به مقاصد مهاجرت می‌کنند که نیازمند این شایستگی‌ها هستند و توان تشخیص آن و ارائه پاداش درخور را دارند. پس از مهاجرت نیز در ذهن جامعه مبدأ با توجه به صلاحیتی که به پذیرش او از سوی کشور انتخابی مقصد مهاجرت منجر شده است، واجد منزلت خواهند شد. از سویی چنانچه در کشور به حد مطلوب توانایی و تخصص به‌دست نیآورده باشند یا شرایط مناسب تحصیل یا مهارت‌آموزی ایدئال برای پیشرفت به میزان کافی برایشان فراهم نباشد، پس از مهاجرت به این امر دست خواهند یافت و مطابق با توانایی و مهارت و تخصصشان به شرایط مطلوب زندگی خواهند رسید.

بنا بر این الگو، مهاجرت به‌عنوان مفهومی واجد ارزش پیش از تصمیم و اقدام به مهاجرت در ژرف‌ساخت ذهنی افراد موجود و برساخت شده است و در جریان زندگی روزمره بازتولید شده و در ذهن کنشگر ایرانی رسوب کرده است. بررسی تجربیات زیسته مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد مفهوم مهاجرت با مجموعه‌ای از عناوین و مفاهیم مثبت و ارزشمند و مورد قبول و احترام جامعه جای گرفته است که در تصمیم و اقدام برای مهاجرت نقش مهمی ایفا می‌کنند.

مصاحبه‌شوندگان به‌کرات به این موضوع اشاره کردند که در خانواده و دوستان و آشنایان، محل کار و محل تحصیل از دیگرانی که مهاجرت کرده‌اند با عنوان نخبه، بااستعداد و دارای صلاحیت، زرتنگ و باهوش و با گفتاری حاکی از احترام و ارزش یاد شده و قرارگرفتن در این شرایط به محرکی برای مهاجرت تبدیل شده است. مهاجرت جدای از برخورداری از بار ارزشی مثبت که در ذهن سوژه ایرانی نشست کرده، برای برخی از مشارکت‌کنندگان، نقش ابزاری مطلوب را نیز ایفا می‌کند؛ ابزاری که مشارکت‌کنندگان از آن جهت ایجاد تمایز، دستیابی به اهداف اقتصادی، خودبیانگری و همنوایی با سایر اقدام‌کنندگان به مهاجرت استفاده می‌کنند. مهاجرت در این معنا علاوه بر نقش ابزار، از پذیرش اجتماعی نیز برخوردار است. در بیان برخی مصاحبه‌شوندگان، اقدام به مهاجرت در نقش

راهکاری ظاهر شده که به برون‌رفت از شرایط نامطلوب درک‌شده از سوی آن‌ها کمک می‌کند. این امر جدای از مسائل مرتبط با دافعه‌های مبدأ و جذابیت‌های مقصد که کنشگر عقلانی را به‌سوی مهاجرت سوق می‌دهد، در نقش تهنشست ذهنی درمورد مهاجرت به‌عنوان کنشی دارای ارزش و مورد پذیرش جامعه، مصاحبه‌شوندگان را به‌سوی انتخاب آن به‌عنوان راهکار مطلوب از بین سایر راهکارها مانند ماندن و تلاش کردن برای ساختن آینده خود و جامعه سوق می‌دهد. اقدام به مهاجرت دارای ابعاد ذهنی و عینی است. بعد ذهنی مهاجرت به‌عنوان ارزشی اجتماعی، نقشی اساسی در انتخاب آن به‌عنوان راهکار برون‌رفت از شرایط نامطلوب برای اقشار و طبقات مختلف ایفا می‌کند. همچنین نقش عمده‌ای در استفاده از مهاجرت به‌عنوان ابزاری که پذیرش اجتماعی دارد و از مطلوبیت عام برخوردار است، برای رسیدن به اهداف ایفا می‌کند.

از این منظر مهاجرت‌کردن نزد مشارکت‌کنندگان امری مسلم و هنجاری است که علت عدم تبعیت از آن شرایط عمدتاً مالی نامطلوب افراد است. مطابق نتایج این پژوهش، افرادی که شرایط مهاجرت دارند، از آن به‌عنوان ابزاری مطلوب و مناسب برای دستیابی به اهداف به‌عنوان کنشی عقلانی استفاده می‌کنند. افرادی هم که برنامه و هدف مشخصی ندارند، تصویر روشنی از آینده پس از مهاجرت ندارند یا حتی از دشواری‌ها و سختی‌های زندگی پس از مهاجرت آگاه‌اند، از آن به‌عنوان راهکاری برای برون‌رفت از شرایط نامطلوب استفاده می‌کنند تا پس از مهاجرت، با ادغام در جامعه جدید به شرایط پایدار و مطلوبی برسند. مطابق این ذهنیت، هر فرد واجد صلاحیت شغلی و تحصیلی یک مهاجر بالقوه است که در پاسخ به انتظارات پنهان جامعه به مهاجرت اقدام می‌کند. در ذهن کنشگر ایرانی، موفقیت در پذیرش و درنهایت مهاجرت، پاداشی به شایستگی و صلاحیت و استعداد و توانایی فرد اقدام‌کننده است.

**مأخذ مقاله:** مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «بازسازی معنایی مهاجرت بر مبنای پیوند عاملیت و ساختار»، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء؛ در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

## منابع

- آسایش، امید، کاظمی‌پور، عبدالمحمد، و صدیقی، بهرننگ (۱۳۹۸). سودای مهاجرت، میل به مهاجرت و تصویر ذهنی از غرب در تجربه دانشجویان مهاجران ایرانی. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۴(۱۵)، ۵۱-۸۲. <https://doi.org/10.22034/jcsc.2020.38265>
- الیوت، آنتونی و ترنر، برایان (۱۳۹۰). *برداشت‌هایی در نظریه اجتماعی معاصر*. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: جامعه‌شناسان.
- بنی‌اسد، مصطفی و محمدرضا، زارع (۱۳۹۲). بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت روستاییان در ایران. *نشریه تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۱۱(۱)، ۱۸۳-۱۹۶. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20086407.1392.5.17.10.5>
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). *مبانی جمعیت‌شناسی*. تهران: آیدین.
- ذکایی، سعید (۱۳۸۵). جوانان، جهانی‌شدن و مهاجرت‌های بین‌المللی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲(۷)، ۴۱-۷۵. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17351901.1385.7.2.3.6>
- ریتزر، جورج (۱۳۸۸). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ چهاردهم. تهران: علمی.
- سیدمن، استیو (۱۳۸۶). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*. ترجمه هادی جلیلی. چاپ اول. تهران: نشرنی.
- شکیبا راد، عاطفه، صابری، هایده، و ثابت، مهرداد (۱۴۰۰). بر ساخت اجتماعی مهاجرت بین‌المللی نخبگان و پیامدهای توسعه‌ای آن به شیوه پژوهش زمینه‌ای. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱(۱۴)، ۱۶۷-۱۸۷. <https://doi.org/10.30495/jisds.2022.19718>
- صادقی، رسول و ولدوند، لیلا (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت‌های جنسیتی در مهاجرت‌های داخلی در ایران. *دوفصلنامه پژوهش جامعه‌شناسی معاصر*، ۷(۴)، ۵۵-۷۸.

- طاهری دمنه، محسن و کاظمی، معصومه (۱۳۹۷). تمایل به مهاجرت در بین جوانان، مطالعه‌ای کیفی در تصاویر آینده. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۴(۱۰)، ۵۳-۷۸. <https://doi.org/10.22035/isih.2018.292>
- قاضی‌نژاد، مریم و خانی اوشانی، نسرين (۱۳۹۶). رابطه بین بازاندیشی در هویت و گرایش به مهاجرت از کشور. *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۲(۸)، ۱۵۱-۱۷۴. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1396.8.2.7.7>
- تیزچنگ، مهسا و قاضی‌نژاد، مریم (۱۴۰۱). زنان و برساخت روابط زناشویی در فضای مجازی. *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۲(۲)، ۳۴۷-۳۷۱. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.321592.1199>
- کراسول، جان (۱۴۰۰). *پویش کیفی و طرح پژوهش*. ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. چاپ پنجم. تهران: صفار.
- کلچین، مسعود، جواهری، فاطمه، و سمیعی، ابودر (۱۴۰۱). پدیدارشناسی نابینایی، از روایت نابینایان تا برساخت اجتماعی نابینایی. *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳(۱۱)، ۷۳۵-۷۶۰. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.330923.1242>
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). *روش در روش، درباره ساخت معرفت در علوم انسانی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- ودادهیر، اشراقی (۱۳۹۸). گرایش به خارج در جامعه پزشکی ایران، مطالعه‌ای کیفی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲(۲۵)، ۲۳-۴۲.
- گزارش وضعیت شاخص‌های کلیدی مهاجرت بین اقشار اجتماعی مختلف (۱۴۰۱). *براساس پیمایش‌های رصدخانه مهاجرت ایران*. <https://imobs.ir/specialized-reports>
- سالنامه آماری مهاجرت (۱۴۰۱). *رصدخانه مهاجرت ایران*. <https://imobs.ir>

- Asayesh, O., & Kazemipoor, A., & Sedighi, B. (2020). Migration aspiration: The migration tendency and the image of the west among the Iranian student-migrants. *Journal of Cultural Studies and Communication*, 4(15), 51-83. <https://doi.org/10.22034/jcsc.2020.38265> (In Persian)
- Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (1968). *Time for dying*. AldineTransaction.
- Baniasadi, M., & Zare mehrjouee, M., & Varmzyari, H. (2013). Economic factors affecting rural migration in Iran. *Journal of Agricultural Economics Research*, 1(17), 183-196. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20086407.1392.5.17.10.5> (In Persian)
- Colaizzi, P. F. (1978). *Psychological research as the phenomenologist views it*.
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2007). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications.
- Creswell, J. (2021). *Qualitative inquiry and research design: choosing among five approaches*. Translated by: H. Danaei & H. Kazemi. Tehran: Saffar. (In Persian)
- Elliott, A., & Turner, B. (2011). Profiles in contemporary social theory. Translated by: F. Ershad. Tehran: Sociologists. (In Persian)
- Ghazinejad, M., & Khani Ushani, N. (2018). Relationship between identity reflection and tendency to migrate from iran: study of higher education students in Tehran State Universities. *Journal of Social Problems of Iran*, 2(8), 151-174. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1396.8.2.7.7> (In Persian)
- Giddens, A. (1984). *The constitution of society*. London: Polity Press.
- Golchin, M., Javaheri, F., & Samiei, A. (2022). Phenomenology of blindness: From the narrative of the blinds to the social construction of blindness. *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 3(11), 735-760. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.330923.1242> (In Persian)
- Hagen-Zanker, J. (2008). 'Why Do People Migrate? A Review of the Theoretical Literature', MPRA Paper, Maastricht University (Netherlands), Paper No. 28197, posted 18, Available at: <http://mpra.ub.uni-muenchen.de/28197/>
- Iran Migration Social Surveys - Key Results (2022). *Based on the surveys of the Iranian Migration Observatory*. <https://imobs.ir/specialized-reports> (In Persian)

- Iran Immigration Outlook (2022). Iranian Migration Observatory. <https://imobs.ir/> (In Persian)
- Mohammadpour, A. (2010). Metod for method, on the structure of knowledge in humanities. Tehran: Sociologists. (In Persian)
- Moustakas, C. (1994). *Phenomenological research methods*. Sage Publications.
- Khan, R., Khan, S., & Zia, Y. E. (2012). Causes and impact of immigration on Pakistani young people on Pakistan and on host country (Great Britain). *European Journal of Business and Social Sciences*, 1(8), 91-98.
- Ritzer, G. (1988). *Contemporary sociological theory*. Translated by: M. Solasi. Tehran: Elmi. (In Persian)
- Sadeghi, R., & Valadvand, L. (2015). Gender and migration: A sociological analysis of gender differentials in internal migration in Iran. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 7(4), 55-78. (In Persian)
- Seidman, S. (2006). *Conflict of votes in sociology*. Translated by: H. Jalili. Tehran: Ney Puplications. (In Persian)
- SHakiba, Rad, A., Saberi, H., & Sabet, M. (2021). Studying the social construction of the elite international migration and its developmental consequences using grounded method. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 1(14), 167-187. <https://doi.org/10.30495/jisds.2022.19718> (In Persian)
- Taheri Demneh, M., & Kazemi, M. (2018). The desire to migrate among young Iranians; a qualitative study on future images. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 4(10), 53-78. <https://doi.org/10.22035/isih.2018.292> (In Persian)
- Taghavi, N. (2008). *Introdustory demography*. Tehran: Aidin. (In Persian)
- Tizchang, M., & Ghazinejad, M. (2022). Women and constructing marital relationships in cyberspace. *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 11(2), 347-371. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.321592.1199> (In Persian)